



ناصر مجید

از تامین اجتماعی تا تهدید اجتماعی!

در یک روز سرد زمستانی، با قراری که از هفته روز قبل، اتاق به اتاق و مدیر به مدیر، به دنبال آن بودیم، و با ورقه‌یی که هفت جای آن حاشیه نویسی شده بود، سرانجام به دیدار شخصی نایل شدیم که در حال حاضر به عنوان مدیر عامل و رییس هیات مدیره، در بالاترین جایگاه فکری و اجرایی سازمان تامین اجتماعی نشسته و برای آینده سازمان برنامه‌هایی دارد که اگر حتی نیمی از آنها به نتیجه برسد، درهای بهشت این دنیا به روی دست کم نیمی از مردم ایران گشوده خواهد شد. زیرا برنامه‌ها، همه ریشه در عنایات الهی دارد و کاری که درست و خدایی باشد، هم موفق می‌شود و هم خوشایند درگاه ذات یازشمالی قرار خواهد گرفت.

دکتر غلامرضا سلیمانی، مدیر عامل و رییس هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی، با گشاده‌رویی بسیار، مهندس ابوالقاسم کلیاف مدیر مسوول و پخته و عکاس ماهنامه "گزارش" را به حضور پذیرفت. دکتر علیرضا امیرپور، مدیر کل جوان اما بسیار پخته روابط عمومی سازمان نیز، با علاقه و لطف، لحظه به لحظه همراه این گفت‌وگو، در کنار ما بود، صد البته برای این که مدیرعامل تنها نباشد!

بعد از ابراز تشکر آقای مهندس کلیاف، بنده هم سبک‌گرازی کردم و اولین سوال را پدینگونه با دکتر سلیمانی در میان نهادم.



سکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ارتباطات خوبی را در سازمان ایجاد کرده‌اند و بعد از بودجه سال جاری می‌پردازیم که بحمدالله هم محقق شده و هم ۷٪ افزایش منابع داشتیم، سعی ما به طور کلی این است که با وجود بالا رفتن هزینه‌های درمان و سایر تمهیدات قانونی، دچار کسر بودجه نشویم و سیاست‌گذاری‌های ما به نتایج درخشانی برسد. به گمان من، شعار همیشگی ما هم برای امروز و هم برای فردا امیدبخش و دلگرم‌کننده است

بودجه سال ۱۳۸۳ سازمان رقمی در حدود سی و چهار هزار میلیارد ریال بوده است. آیا این بودجه محقق شده؟ آیا از روند برنامه‌ها راضی هستید؟ آیا فکر می‌کنید شعار: "تامین اجتماعی، نیاز امروز، پشتوانه فردا" به واقعیت پیوسته است؟ -بسم‌الله الرحمن الرحیم- ابتدا از آقای امیرپور تشکر می‌کنم که به عنوان مسوول روابط عمومی،

و به صورت واقعی مملوس جلوه گر شده و برای آینده تبلور بیشتری خواهد یافت.

لطفاً بفرمایید بودجه پیشنهادی سال ۱۳۸۴ سازمان چه مبلغ است؟

برای سال آینده بودجه ما نزدیک به ۴۴ هزار میلیارد ریال است و به همین میزان هم پیش بینی هزینه شده و مبالغی هم برای سرمایه گذاری در نظر گرفته ایم.

سازمان تامین اجتماعی در حال حاضر نزدیک به هفت میلیون نفر بیمه شده دارد که با افراد تحت تکفل آنها و روستاییانی که قرار است به زودی بیمه شوند جمعیتی نزدیک به پنجاه درصد نفوس کشور را زیر پوشش بیمه ای و شاخه های گسترده آن قرار خواهد داد. آیا فکر نمی کنید که سازمان برای پاسخگویی به این همه بیمه شده و افراد خانواده آنها دچار مشکل شود؟ آیا بعدها باب بحث و گفت و گوهای تازه باز نخواهد شد؟ آیا تاب تحمل نق‌ها و نفرین های بیشتر را دارید؟

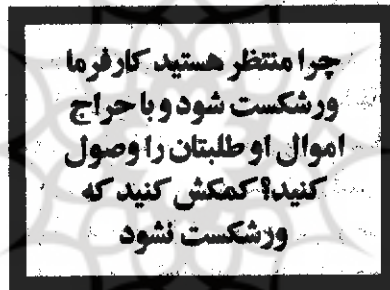
لبخند معنی داری بر لب های دکتر نقش می بندد که یعنی حساب همه چیز را کرده ایم و نگران نباشید! و بعد می گوید:

در حال حاضر در حدود ۲۷ میلیون نفر از هموطنان شهری و روستایی از امکانات بیمه و سایر شاخه های تامین اجتماعی بهره مند هستند و مشکل آنچنانی نداریم. در حال حاضر ۷۵ بیمارستان در بخش درمان در مالکیت ما است و ۲۶۰ درمانگاه در سطح کشور به بیماران بیمه ای خدمات می دهند، با ۴۵ هزار واحد درمانی، بیمارستانی، پاراکلینیک ها و حتی مطب های خصوصی، طرف قرارداد هستیم و به بیماران زیر پوشش سازمان، خدمات رسانی می کنیم. از طرف دیگر، سازمان تامین اجتماعی پوشش و گسترش هر چه بیشتر بیمه ای را از وظایف خود می داند و سعی وافر داریم که احاد افراد جامعه را زیر چتر بیمه قرار بدهیم. در مورد روستاییان هم قرار بر این است که در سال ۱۳۸۴ یک میلیون و پانصد هزار نفر را از خدمات بیمه ای بهره مند سازیم که دو سوم حق بیمه را دولت تامین می کند و یک سوم بقیه را روستایی بیمه شده می پردازد.

دکتر سلمیانی اضافه می کند: در آتی بی نزدیک حدود یک میلیون کارگر ساختمانی و همچنین عده

بسیار قابل توجهی از قالی بافها و رانندگان درون شهری و برون شهری را زیر پوشش بیمه قرار خواهیم داد. به هر حال، فکر می کنم با ساز و کارهایی که در سطح کشور ایجاد کرده ایم می توانیم به بیمه شدگان خدمات مناسبی را ارائه دهیم.

جناب دکتر! ما به دفعات در مطبوعات کشور خوانده و از رسانه های صوتی و تصویری شنیده ایم که سازمان تامین اجتماعی با یک چهارم حق و حقوق متصوره، امور خود را می گذراند و به بقیه اش دسترسی ندارد. آیا قرار است در آینده هم وضع به همین منوال باشد؟ یعنی شما با یک چهارم دریافتی، تمام حق و حقوق بیمه شدگان و خانواده های آنان را تامین می کنید؟ سه چهارم بقیه کجاست؟ در کشور ما، مقوله تامین اجتماعی، مقوله ای وارداتی



است. اما بدون این که همه فرهنگ کشورهای صادرکننده این مقوله همراه آن باشد. به همین دلیل، در سطح کشور، افرادی را داریم که فکر می کنند یا نباید حق بیمه بدهند و یا اگر هم می دهند کمتر از آنچه بدهند که بنا به میزان دستمزد واقعی باید بپردازند. مثلاً بسیاری از بیمه شده ها، با این که همه ماهه بیشتر از دویست هزار تومان حقوق می گیرند، میزان حقوق خود را در لیست ارسالی یکصد و شش هزار تومان اظهار می دارند که حق بیمه کمتری می شناختند، حتماً بر مبنای حقوق واقعی حق بیمه پرداخت می کردند. نکته دوم این که بعضی از افراد اصولاً فرار بیمه ای دارند و سعی می کنند بیمه پرداخت نکنند به این ترتیب که کارگر و کارفرما به توافق می رسند که مقوله بیمه را به فراموشی بسپارند و مبلغی حقوق بگیرند و زندگی روزمره خودشان را داشته باشند. بعضی از کارفرمایان به دلیل مشکلات

اقتصادی، قدرت پرداخت حق بیمه را ندارند و با این که هفت درصد حق بیمه را از حقوق بگیران کم می کنند و باید بیست و سه درصد هم خودشان به آن اضافه کنند و به سازمان بپردازند، چنین عملی را انجام نمی دهند و بدی شان هر ماه اضافه می شود و تازه جریمه هم به آن تعلق می گیرد.

آن وقت چه می شود؟ کسی که توان پرداخت اصل بدهی را نداشته باشد، با جریمه چه کند؟

دو حالت بیشتر ندارد. یا باید بدهی خود را تقسیم و حداکثر طی ۲۰ ماه پرداخت کند یا شرکت را منحل کند و اموالش طبق قانون از طریق تهاجر و به نفع سازمان ضبط شود.

اگر اموالی نداشت...

هیچ می سوزد!

آیا بهتر نیست که قبل از این که طرف ورشکسته شود و مطالبات شما هم بسوزد، کمکش کنید که به طریقی سرپا بماند، چند نفری در کنار او فعالیت کنند و حداقل معیشت را برای خانواده های خود فراهم آورند و طلب سازمان را هم بدون جریمه بپردازند؟ آیا بهتر نیست که سازمان کمی به کارفرمایان اعتماد کند و مانند آنچه وزارت دارایی رفتار کرد، بعضی کارها را به عهده خود مردم بگذارد و به قول معاون مالیاتی وزارت مزبور، مردم هم راحت تر مالیات پرداخت کردند و هم پول بیشتری عاید خزانه دولت شد و از کمیسیون بازی های بدوی و تجدیدنظر خواهی که متضمن صرف وقت و هزینه بیشتری است پرهیز شود. آیا نمی شود این کارها و رفت و آمدها را به حداقل رساند؟

دکتر سلمیانی، با همان لحن صمیمانه و با صداقت و واقع بینی و انصاف می گوید:

بله... این سوال شما بسیار اساسی است و ما باید به این سمت برویم و در حال حاضر بخشی از راه را طی کرده ایم و چون این پروژه در طول دوره فملی در شرف تکوین است، امکان دارد حس نشود. اما واقعیت این است که ما درد را قبل از بیمار حس می کنیم و درصدد درمان بر می آیم. البته امکان دارد که درمان گاهی طولانی بشود. اما به هر حال،

می‌شود، ما بررسی کرده‌ایم که اگر در یک شهر شعبه داریم و در شهر دیگری با ۳۰ کیلومتر فاصله شعبه نداریم و شخصی می‌گوید من نمی‌توانم این فاصله را طی کنم که از مزایای بیمه استفاده کنم ما به او گفته‌ایم که لازم نیست شما زحمت بکشید، ما نماینده‌ای از بیمه را به شهر یا شهرک شما می‌فرستیم که در خدمت شما باشد و درصدی هم کارانه به او می‌پردازیم که به شما سرویس بدهد. اصلا خود شما دفتر کوچکی باز کن و نمایندگی ما براهی، هم خودت را بیمه کن و همه بقیه را، و هفته‌ای دو بار به نزدیکترین شهر صاحب شعبه سر بزنی و کارهای همشهری‌های خودت را سامان بده. راجع به درمان بیماران شهر کوچک خودت نیز به هزینه ما اقدام کن و آنها را به نزدیکترین درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها بفرست تا درمان شوند و دپتاکوی تو باشند.

دکتر سلیمانی یادآور می‌شود که آقای حیدری مسوول پروژه ایجاد موسسات وابسته به سازمان تامین اجتماعی و نمایندگی‌های وابسته هستند که می‌شود با ایشان در این مورد تماس گرفت و اطلاعات بیشتری کسب کرد.

آقای دکتر سلیمانی اصولا شایع و باورکردنی است که حق بیمه‌ای که در ایران دریافت می‌شود، در مقایسه با سایر کشورها، بالاتر است. لطفا در این مورد پاسخ قانع‌کننده‌ای بدهید و میزان حق بیمه در ایران را با چند کشور پیشرفته یا در حال رشد مقایسه فرمایید.

حق بیمه‌ای که ما در ایران دریافت می‌کنیم تقریباً از کشورهای اروپایی اقتباس شده و از بعضی کشورهای این قاره پایین‌تر است. مثلاً حق بیمه در اتریش ۳۲/۵ درصد، هلند ۴/۸ درصد، فرانسه ۳۹ و ۴۱ درصد و در کشور آسیایی سنگاپور ۳۶ درصد است. مردم بعضی از کشورها هم حق بیمه‌ای کمتر از ما می‌پردازند که در ترکیه ۳۲/۵ درصد، گرجستان ۲۹ درصد و در لبنان ۱۰ درصد حق بیمه تعیین شده که البته در لبنان بیمه‌شدگان زیر پوشش امور درمانی نیستند. در قانون ۹ درصد از حق بیمه‌ای که دریافت می‌شود، صرف امور درمانی می‌گردد و باید پذیرفت که هزینه درمان در کشور ما بشمار بالاست. این درست است که از کشورهای اروپایی پایین‌تر است اما در سبد هزینه مردم درصد

آیا برای بستر سازی فرهنگی، برنامه‌هایی صورت گرفته است و سعی کرده‌اید مردم را از مقوله‌ی بدبینی دور کنید؟

بالاین را تشکیل می‌دهد. به خصوص هزینه‌ی تامین دارو، فشار فوق‌العاده‌ای بر بیمه شده وارد می‌کند که درصد یافتن راهی عقلایی برای حل این مشکل هستیم.

چرا سازمان نمی‌تواند بسیاری از مطالبات خود را از نهادها و سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ خصوصی و وابسته به دولت وصول کند؟ آیا در قانون ضعف‌هایی هست که دست شما را می‌بندد یا بنا به ملاحظاتی نمی‌توانید از اهرم قانون برای برخورد با همه بدهکاران استفاده کنید؟ آیا اگر سازمان قادر نیست حق و حقوق خود را از بدهکاران بزرگ و زورمند بگیرد، طبقات ضعیف و کارفرمایان در حال ورشکستگی باید جور آنها را بکشند. فکر نمی‌کنید که اگر ضعف‌های قانونی و اجرایی از میان بیرون رود، سازمان بتواند اندکی از حق بیمه‌ها را کاهش دهد و بسیاری از پرونده‌هایی که بعدها قرار است برای بدهکاران واهی تشکیل بشود، تشکیل نشود. بارها اعلام شده است که سازمان مبلغ سه هزار میلیارد تومان یا بیشتر از دولت طلبکار است. شاید مبالغ گزاف دیگری هم از نهادها و ارگان‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت طلبکار باشید. با آنها چه می‌کنید؟ تهاتر؟! بعید است که بتوان دکتر سلیمانی را با چند جمله گلایه‌آمیز و موشکافانه عصبانی کرد. انکار پشت خنده‌هایش چشمه آب زلالی هست که هرگز تمام نخواهد شد. می‌جوشد و تراوش می‌کند.

چرا نرخ بیمه در کشور ما، نسبت به بسیاری از کشورها بالاتر است؟

ناراحت نباشید. انشاءالله همه را به تدریج می‌گیریم. باید امیدوار بود و خدمت کرد. ما با این که بسیاری از مطالبات خود را وصول نمی‌کنیم. باید همه مطالبات به حق بیمه‌شدگان را بدهیم و به خصوص در زمینه درمان و مستحضری‌ها نمی‌توانیم به بیمه شده بگوییم چون کارفرما حق بیمه تو را به سازمان نداده. پس ما هم هیچ تعهدی در قبال تو نداریم و اگر خواستی به صورت خویش فرما حق بیمه‌ات را بپردازی، ما نمی‌گیریم. تو بپرداز، ما هم وظیفه داریم بگیریم و خدمات بدهیم.

آیا اتفاق افتاده است که گاهی به صورت ناشناس، ورود و خروج افراد را به شعب سازمان زیر نظر داشته باشید؟ آیا به خصوص وقتی افراد از شعبه‌ای خارج می‌شوند لبخندی بر چهره آنان دیده‌اید؟ اگر ندیده‌اید آیا فکر کرده‌اید که چرا تقریباً همه عبوس و عصبانی هستند؟ آیا نمی‌شود با ایجاد بستر فرهنگی، از میزان دشمن‌تراشی برای سازمان کاست؟ آیا شنیده‌اید که ناراضیان چه نام‌هایی روی سازمان گذاشته‌اند؟ واقعیت این است که بنده روزی در یکی از شعب - که خوشبختانه ریسی بسیار خوب و شریف دارد - شاهد بودم که کارفرمایی قسم می‌خورد و ادعا می‌کرد که من بدهکار نیستم و فقط به دلیل این که لیست بیمه را بد تحریر کرده‌ام شما طبق قانون مرا بدهکار می‌کنید. مگر شما برای من کلاس کارآموزی تحریر لیست گذاشته‌اید که حالا می‌خواهید نمره مرا صفر بدهید؟

کارمندی که تا آن لحظه ساکت بود با عصبانیت سر کارفرما داد کشید و گفت: برو آقا... وقت ما را بگیر، نمی‌خواهد بدنی‌ات را بپردازی... انشاءالله وقتی مردی از ورقات می‌گیریم...

دکتر سلیمانی، با این که سعی می‌کند کماکان خنده بر لب داشته باشد زیر خنده‌اش تلخی یک واقعیت نقش می‌بندد. واقعیت ثابت یک کاستی بزرگ فرهنگی و اخلاقی، در این حال می‌گوید:

بارها به طور ناشناس و مثل یک کارفرمای کارگاه‌های کوچک، به شعب تامین اجتماعی سر زده‌ام و چون تا آن هنگام کسی تصویر مرا در مطبوعات و رسانه‌های تصویری ندیده بود، راحت‌تر



می توانستم با مشکلات مردم آشنا بشوم. در درجه اول متوجه شدم که اکثر شعبه ها شلوغ است و رسیدگی به کار مراجعه کنندگان دشوار و این یکی از معضلات اساسی کار ماست. دوم، ناآگاهی مردم را از قانون دیدم که این یکی تقصیر همکاران ما نیست و نشانه عدم علاقه مندی بیمه شدگان و کارفرمایان به حقوق اساسی خودشان است. اما متأسفانه بد اخلاقی پاره ای از کارمندان کلافه خودمان را دیدم که باید برای رفع این مشکل چاره ای بیندیشیم.

دکتر سلیمانی افزود: ارتباطات تلفنی و نظرات اشخاص در سایت به من گزارش می شود و از این اطلاعات دریافتیم که ما چند کار را باید به صورت موازی انجام بدهیم. یکی این که فرایند شعبات ما باید کوتاه شود و این به اصلاح فرایند نیاز دارد. در این راستا، کمیته هماهنگ سازی از بالاترین سطح معاونین ایجاد کرده ایم که تمام مراحل اجرایی پرداخت و دریافت حق بیمه و پرداخت مستمری و از کارافتادگی و همه مراحل را با صدور بخشنامه در

حال اصلاح و تبدیل هستیم. بولتن هایی چاپ کرده و به کارگاه ها فرستاده ایم که سطح دانش کارفرما و کارگر را در رابطه با وظایف و عملکرد سازمان بالا ببریم و از مزایای متقابل داشته باشند و... با این همه در بازدیدهای شخصی از شعبه شنیده ام که برخی مراجعه کنندگان می گویند اینها پول ما را می گیرند و هیچ کاری برای ما انجام نمی دهند. پول ها را می گیرند و خودشان می خورند. یکی هم می گفت من باید ده هزار تومان خرج کنم که مثلا پنج هزار تومان بگیرم. آیا واقعا این حرف ها منصفانه است یا به دلیل عدم آگاهی بیان می شود؟

دکتر کمی مکث می کند و سپس از من سوال می کند: شما در باره ما چه شنیده اید؟ چه نام هایی بر ما گذاشته اند... لطفا بگویید...

آنچه بنده شنیده ام قالب آهنگین دارد. درست با آهنگ "تامین اجتماعی" مثل: "تهدید اجتماعی" یا "تامین اشتباهی"... دکتر می خندد و می گوید چه نام های قشنگی! واقعا اغلب مردم ما طبع شعر دارند. اما انصاف حکم می کند که بگویم این وصله ها به سازمانی که این همه هزینه می کند و سرویس می دهد نمی چسبد.

دکتر سلیمانی بار دیگر وارد بحث فنی با ادبیات بیمه ای می شود و می گوید:

من می خواهم جمله ای را بگویم که واقعیتها بیشتر

پوشش شود. بدون این که بخواهم اشتباهات سازمان را توجیه کنم.

مقوله تامین اجتماعی در جهان حدی ندارد که من بگویم بالاترین رقم عدد ۱۰۰ است و اگر به آن برسیم همه کارهایمان صحیح است. همیشه انتظارات انسان در بخش بهداشت و درمان و سطح زندگی، تقاضایی القایی دارد. وقتی بیمه شده ای که کل حقوقش ۱۵۰ هزار تومان است و عمل قلب چند میلیون تومانی انجام می دهد و یک ریال هم از او نمی گیریم و چند روز هم او را در بهترین بیمارستان ها نگه می داریم و از او مراقبت می کنیم، زمانی که می گویم حالت خوب است و مرخصی، در جواب می گوید پول ندارم به ولایت بروم، انتظار دارد هزینه سفرش را هم بدهیم و می دهیم، دیگر چکار باید بکنیم که نگویند تهدید اجتماعی؟! مگر توان اجرایی ما در ماه چقدر است؟ و چند نفر را

می توانیم عمل کنیم و پول تو جیبی هم به آنها بدهیم؟ آیا آنها که برای گرفتن نوبت، گاهی تا دو ماه در انتظار می مانند، می دانند که ما با چه مشکلاتی دست به گریبان هستیم؟ در هیچ جای دنیا معمول نیست که بیمار برای اعمال بزرگ جراحی به بیمارستان مراجعه کند و ظرف یکی دو روز زیر تیغ جراحان برود...

دکتر سلیمانی برای مطالب خود شاهد مثالی آورد که شنیدنی و قابل تامل است:

نخست وزیر سوئد چندی قبل گله کرده بود که برای انجام عمل قلب به من نوبت سه ماهه دادند! آیا او هم گفت که واحدهای درمانی کشورش کاری انجام نمی دهند و پول مردم را می خورند؟! پس در اکثر نقاط پیشرفته دنیا وضع به همین منوال است با این تفاوت که آنها پارتی بازی نمی کنند و تسلیم واقعیتها و شرایط و امکاناتشان هستند.

جناب دکتر! ممکن است بفرمایید که منابع درآمد سازمان به غیر از حق بیمه های دریافتی و غیر دریافتی در کجاست؟ آیا کارخانجات و واحدهای بازرگانی و تولیدی سازمان اصولا درآمدزا هستند یا هزینه بر؟ آیا به بخش های بهداشت و درمان کمک می کنند یا وبال گردن بیمه شدگان هستند؟

آیا برای اصلاح نرم افزار نارضی تراش، چاره اندیشی کرده اید؟ چرا این نرم افزار، گاهی به سمت بدهکاران نمی خاند؟



تکنولوژی، مد نظر بوده است که البته امکان دارد با ارتقای تکنولوژی گاهی ناچار به کاهش نیروی انسانی بشویم. با این حال ما نزدیک به یکصد هزار نفر در بخش های مربوط به سازمان، افراد بیمه شده داریم و معنی این آمار این است که ما کارفرمای یکصد هزار نیروی انسانی هستیم که این بزرگ ترین افتخار ماست.

لیست بیمه هم زد می کنید یا در ردیف کارفرماهای بد حساب هستید که باید بعدها دچار تهاوتر شوید؟

دکتر سلیمانی و دکتر امیرپور خنده بلندی سر می دهند و دکتر سلمیانی اضافه می کنند: شاید ما خوش حساب ترین کارفرمای سازمان باشیم.

چقدر بدهکارید؟

بدهی ما صفر است (خدا را شکر).

یکی از مواردی که معمولاً موجب عدم رضایت کارفرما و چندباره کاری می شود، نرم افزاری است که واریزهای بیمه را غالباً به زیان کارفرما و اشتباهی محاسبه می کند و در چند سال گذشته شاهد مراجعات مکرر کارفرمایان به شعب تامین اجتماعی و شنیدن پاسخ کارمندان که: مشکل در نرم افزار است و ما بی تقصیریم بوده ایم و اگر افراد بخواهند بدبینانه قضاوت کنند شاید به این نتیجه برسند که نرم افزار مخصوصاً دستکاری شده تا بدهی کارفرما بالا برود آیا بهتر نیست که به جای نرم افزار مشکل ساز فعلی، نرم افزار درستکار و قابل اتکایی طراحی شود؟

حتماً مطلع هستید که قبلاً این سیستم نرم افزاری در اختیار ما نبود و بعد از رفتن خارجی ها، سیستم به دست همکاران ایرانی سازمان افتاد و این جوانان علاقه مند به پیشرفت و تکامل، به این سیستم ورژن های مختلف اضافه و در حقیقت سیستم را وصله پینه کردند. جالباً نیز یک سیستم اوراکل به آن اضافه شده که اشتباهات را به حداقل می رساند. دکتر سلیمانی اضافه می کند: من این اشتباهات دست و پا گیر را قبول دارم و درصدد هستم که حتی اگر تا پنجاه میلیون دلار هزینه در برداشته باشند سرمایه گذاری کنم تا سیستم نرم افزاری درست شود و انشاءالله اشتباهات به صفر برسند و بهسازی از

بفروشیم سود بیشتری می بردیم. اما ترجیح داده ایم که سهام را نگه داریم و از سود جاری بهره بیشتری ببریم.

دکتر اضافه می کند: ما در سال ۱۳۸۲ مبلغ ۴۲۰ میلیارد تومان و با سود بانک رفاه و چند شرکت دیگر ۵۰۰ میلیارد تومان سود برده ایم که رقم راضی کننده ای است.

ممکن است بفرمایید که با آن همه کارخانه های تولیدی و شرکت های خانه سازی، توسعه املاک و بانک رفاه و سایر واحدهای وابسته به سازمان تامین اجتماعی چه تعداد افراد شاغل دارید؟

ما سعی کرده ایم شرکت های وابسته ای را که سرمایه گذاری جدید نمی کنند با تعدیل نیروی انسانی به وضعیت متعادلی برسانیم ولی اصل را بر کاهش نیروی انسانی قرار نداده ایم بلکه بالا بردن

در این جا دکتر سلیمانی با قاطعیت و صلابت بیشتری سخن می گوید و به درآمدهایی اشاره می کند که بسیار امیدوار کننده است:

خوشبختانه سرمایه گذاری سازمان که در دو بخش صورت می گیرد غالباً سودبخش و راضی کننده است. بخش اول شامل مطالبات سازمان از دولت است که چون دولت فاقد نقدینگی است بدهی های خود را به سازمان که رقمی در حدود سه هزار و پانصد میلیارد تومان است در قالب سهام پرداخت می کند و در مورد بخش دوم سرمایه گذاری، اساساً اقدام می کنیم. اگر چه سهامی را که دولت واگذار می کند بعضی سودآور است و بعضی سودآور نیست ضرر دارد ولی ما ساختار آن را درست می کنیم و به سودآوری می رسانیم.

دکتر سلیمانی در توجیه فعالیت های بخش سرمایه گذاری می گوید: با افزایش سرمایه گذاری و اصلاح تکنولوژی، کارخانجات تولیدی را مدرن و سودآور می کنیم و در این بخش از قدرت بیشتری برخوردار هستیم و قوانین دست و پا گیر دولتی بر کار ما جاری و ساری نیست، به همین دلیل در قبال سرمایه ای که به کار گرفته ایم بازدهی خوبی داشتیم و در سال گذشته رقم سود ما در حدود ۴۵ درصد بوده است. تازه اگر قرار بود سهام کارخانجات را در بورس

آیا صحیح است که از سازمان تامین اجتماعی، به خودش شکایت کنیم و انتظار رسیدگی صحیح و منصفانه داشته باشیم؟

اختلافات کارفرمایان با سازمان از بین برود و کارها رنگ و بوی صمیمانه‌ای به خود بگیرد.

اصولا سازمان تاوان چه کوتاهی‌هایی را در مجموعه مملکت می‌دهد؟ به عنوان مثال، فلان کارخانه وابسته به دولت یا یک شخص ذی نفوذ که شما با اهرم قانون هم حریف آن نمی‌شوید، لوازم یدکی نامرغوب می‌سازد و این وسایل روی کامیون‌ها و اتوبوس‌ها بسته می‌شود و چون این گونه لوازم غالباً استاندارد نیستند یا دوام کافی ندارند، از کارایی لازم بی‌بهره‌اند و هر روز تعداد زیادی کامیون و اتوبوس تصادف می‌کنند یا به دره می‌روند و عده زیادی کشته و زخمی می‌شوند و کالای فراوانی هم نابود می‌گردد. این بخش از حوادث که آمار بالایی از هزینه‌ها و مستمری‌ها را روی دست سازمان می‌گذارند چگونه قابل توجیه است؟ آیا صحیح است که پول و اندوخته متعلق به کارگران را در این راه‌ها خرج کنید و بیماران مستحق، برای دریافت حداقل هزینه‌های درمان خود فاکتور به دست، به این در و آن در بزنند و در حضور سایرین تحقیر شوند؟

وقتی که لبه تیز یک سوال انتقادآمیز متوجه اوسته با صمیمیتی که انگار شاخه‌ی گل تقدیمش کرده‌ایم، لبخند می‌زند و ما را خلع سلاح می‌کند تا جایی که حس می‌کنیم اگر همیشه همین قدر شیرین باشد، برای هر زهر کشنده‌ای پانزهر است.

می‌گوید: این مثال درستی است که وقتی در کشوری سطح بهداشت پایین بیاید، هزینه دارو بالا می‌رود. در کشور ما، با آن همه تصادف و مرگ و میر کسانی که غالباً حق بیمه هم نمی‌دهند به محض این که فردی مرحوم می‌شود، خانواده‌اش می‌شوند "بازماندگان" در محیط کارخانه‌هایی که سطح بهداشت پایین است و از نظر ایمنی شرایط مطلوب ندارد و آلوده‌ها باعث مرگ‌ومیر کارگر می‌شوند، خانواده‌اش می‌شوند "بازماندگان" و کارگری که دچار نقص عضو می‌شود، از همان روز اول حادثه می‌شود از کار افتاده و... و ما باید مستمری خانواده‌های آنها را بپردازیم. از طرفی وقتی که هزینه دارو بالا می‌رود و ترفه افزایش نرخ پیدا می‌کند، هزینه درمان

چرا سازمان تامین اجتماعی تاوان اشتباهات و کم کاری دیگران را می‌دهد؟

هم بالا می‌رود و سازمان باید پاسخگوی همه این مسایل باشد. ما متولی سازمانی هستیم که در درون یک سیستم اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی خدمات رسانی می‌کنیم. اگر سیستم ناکارآمد باشد تامین اجتماعی با مشکل مواجه می‌شود و اگر کارآمد باشد، طبیعی است که تامین اجتماعی تامین بیشتری ایجاد خواهد کرد. به هر حال، ما باید روی فرهنگ‌سازی که به عنوان یک چالش خودنمایی می‌کند به عنوان یکی از کارهای اساسی حساب باز کنیم. یعنی ما باید تمام القادار کارگران، بیمه‌شده‌ها، کارفرمایان و دولت را آگاه کنیم که تامین اجتماعی نوعی مقوله امنیت اجتماعی است. بالاتر از امنیت نظامی و انتظامی. زیرا با ایمن کردن جامعه جلو انواع بزه کاری‌ها از جمله سرقت، رشوه خواری، فروش مواد مخدر و سایر تخلفات گرفته می‌شود. از آن طرف، تامین اجتماعی، نوعی سرمایه‌گذاری بیمه شده است و ما باید مردم را تشویق کنیم که برای تامین آتیه خودشان سرمایه‌گذاری دولتی بکنند و از پرداخت حق بیمه طفره نروند. مزد یا زن وقتی بازنشسته می‌شوند باید مطمئن باشند که با مستمری ماهانه‌ای که از بیمه می‌گیرند زندگیشان تامین می‌شود و سال‌های آخر عمر را در آرامش و آسایش می‌گذرانند. در تمام کشورهای دنیا همین وضعیت حاکم است و به همین دلیل است که اغلب جهانگردان دنیا، مردان و زنان بازنشسته هستند. **با بلاهای طبیعی مانند سیل، زلزله، آتش‌سوزی، توفان، بهممن و... چگونه کنار می‌آیید؟**

ما در مورد حوادثی مانند آنچه ذکر کردید وظیفه پوشش دادن بلادیدگان را نداریم. برای این گونه

برای تبلیغ فعالیت‌های سازمان، پفک نمکی چه نقشی دارد؟!

موارد وزارت رفاه برنامه‌ریزی کرده و به هنگام نیاز کمک‌رسانی خواهد کرد. اما در رابطه با زلزله‌بیم که ما چهارده هزار بیمه شده داشتیم و متوجه شدیم که بیمه شده‌ها خسارت خراب شده کارگاهش ویران شده و بعضی افراد خانواده‌اش مرده‌اند، کمک‌های جانبی کردیم. در چنین حوادث ناگواری ما بیشتر به جنبه‌های اجتماعی توجه داریم تا به صندوق.

در حالی که بسیاری از خوردنی‌ها، فاسد و نامرغوب است و در جامعه باعث بیماری یا مرگ‌ومیر افراد می‌شود و برای سازمان باز مالی به دنبال دارد، رسانه‌ای مثل صدا و سیما از تولیدکنندگان این گونه کالاها پول کلان می‌گیرد و برایشان تبلیغ می‌کند. یعنی اهالی مردم، بروید تنقلات و اغذیه فاسد بخورید و مریض شوید تا تامین اجتماعی هزینه درمان شما را بپردازد! این دو گانگی را چگونه می‌شود از بین برد؟ آیا سازمان می‌تواند از رسانه ملی بخواهد لااقل از تبلیغ برای خوردنی‌های نامرغوب پرهیز کند؟

ما از صدا و سیما به عنوان یک رسانه بزرگ و تاثیرگذار انتظار بیشتری داریم و خوشبختانه روابط بسیار حسنه‌ای بین ما حکم فرماست و امیدواریم که در آینده به وسیله این رسانه فراگیر، آگاهی بیشتری در مورد برنامه‌های خود به هموطنان بدهیم. اما همان‌گونه که شما گفتید چون تامین اجتماعی برای همه مردم کشور می‌تواند مفید باشد و خدمت‌رسانی کند، صدا و سیما هم با بخش فیلم‌های آموزشی کوتاه، مصاحبه‌ها و خبرها در جهت بهبود وضع اجتماعی و معیشتی مردم می‌تواند نقش بسیار ارزنده‌ای داشته باشد.

دکتر سلیمانی افزود: یک شب در یکی از بخش‌های تبلیغاتی سیما دیدم که تیزر تبلیغاتی تامین اجتماعی را در کنار آگهی پفک نمکی قرار داده‌اند به طوری که هر بیننده‌ای تصور می‌کرد تامین اجتماعی پفک تولید می‌کند و برای فروش آن دست به کار تبلیغات تلویزیونی شده است! تلفن زدم و گفتم خواهش می‌کنم ارزش تامین اجتماعی را این همه پایین نیاورید که پفک نمکی را قاطی تبلیغات ما بکنید. ما به خدمات تامین اجتماعی و ایجاد بستر فرهنگی فکر می‌کنیم و شما به دریافت پول برای تبلیغ پفک! آقای دکتر سلیمانی! سال‌های سال است

که هرگاه کارفرما یا بیمه شده‌یی از شعب مختلف سازمان شکایت دارند برای احقاق حق خود، دست به دامان دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور می‌شوند. اما اخیراً شنیده شده است که تامین اجتماعی درصدد است موجباتی فراهم کند تا افراد شاکی، شکواییه‌های خود را به سازمان بنویسند و درخواست رسیدگی کنند. آیا چنین مطلبی صحت دارد و اگر دارد، آیا می‌توان امیدوار بود که یک سازمان آن هم در حد تامین اجتماعی علیه خودش رای بدهد و با شاکی، با عدالت و انصاف رفتار کند؟ آیا می‌شود این ذهنیت را که مردم از تصمیمات یک جانبه سازمان دارند زود و به افراد شاکی و گله‌مند قبولاند که می‌توانند به آنچه قرار است اتفاق بیفتد، دل خوش باشند؟

بله این نکته صحیح است. مرکزی را ایجاد کرده‌ایم به نام 'مرکز رسیدگی به شکایات' که این مرکز شکایات را دریافت و به ما منعکس می‌کند و ما هم با رسیدگی دقیق و صحیح، سعی می‌کنیم مسایل را حل کنیم.

یعنی اگر بنده از شعبه‌ای یا مقامی شکایت داشته باشم به شما می‌نویسم و شما مشکل بنده را حل می‌کنید؟
بله همین طور است.

یعنی می‌شود امیدوار بود که وقت کافی برای رسیدگی صرف شود و نتیجه عادلانه‌یی هم به دست آید؟
انشالله. چرا که نه؟ (خنده...)

خانم‌های خانه‌دار، با همه مسوولیت‌هایی که در چارچوب خانه دارند، زیر هیچ چتر حمایتی مشخصی قرار نگرفته‌اند. آیا برای آنها فکری شده است که بتوانند لااقل دوران پیری و از کارافتادگی را با آرامش و آسایش خاطر سپری کنند؟

خانم‌ها به دو شکل تحت پوشش بیمه قرار دارند. یکی خانم‌های خودسرپرست که خودشان مستقیماً سرپرستی خانواده و بچه‌ها را به عهده دارند و وزارت رفاه در حال برنامه‌ریزی برای آنهاست. و گروه دوم خانم‌های شاغل که در ادارات و شرکت‌ها و فروشگاه‌ها مشغول خدمت هستند و زیر پوشش

بیمه قرار دارند. در تامین اجتماعی، امتیازاتی که به خانم‌ها تعلق می‌گیرد، بیشتر از سهمی است که برای آقایان در نظر گرفته شده. با این همه، برنامه‌هایی در شرف تکوین و شکل‌گیری است که وسعت و میزان این امتیاز را مضاعف خواهد کرد.

دکتر امیرپور مدیر کل روابط عمومی سازمان قبل از ورود به دفتر مدیرعامل یادآور شده بود که وقت پیش‌بینی شده برای گفت‌وگو با آقای دکتر سلیمانی یک ساعت است. اما صحبت آن قدر گل انداخت که یک ساعت به دو ساعت افزایش یافت و وقتی خود دکتر سلیمانی هم یادآور شد که وقت ما نزدیک به اتمام است، بنده عرض کردم که وقت ما برای طرح سوالات یک ساعت بوده و پاسخ‌های روشن‌تر

سازمان تامین اجتماعی یک چهارم حق بیمه‌ها را دریافت می‌کند و سه چهارم بقیه را طلبکار است. چرا؟

جنابعالی باعث شده که زمان به درازا بکشد! مثل همیشه با گشاده رویی و واقع‌بینی این شوخی مخلص را پذیرفت و گفت: اشکالی ندارد، اگر باز هم سوالی دارید مطرح کنید تا جواب بدهم.

از فرصت استفاده کردم و گفتم: فلسطینی‌ها ضرب المثلی دارند که می‌گویند شکست یتیم است و پیروزی چندین پدر و مادر دارد. آیا سازمان تحت مدیریت جنابعالی یتیم است یا چندین پدر و مادر دارد؟

انکار قرار است که از یتیمی درآییم؟ در این مدتی که من مسوولیت سازمان را به عهده گرفته‌ام بیشتر به رفع مشکلات و به بهبود وضع بیمه‌شدگان فکر می‌کنم تا به امور اجرایی. هر شب تا دیرگاه، تئوری‌ها، بحث‌ها و مباحثی را مطالعه می‌کنم. مدت سه ماه وقت گذاشتم تا چهارچوب کار را دقیقاً بشناسم. طبیعی است که در روزهای اول، کارهای جاری، انسان را غرق می‌کند و هر چه جلوش بگذارند، امضا می‌کند. بدون این که بلدان چه را و چرا امضا کرده‌است. اما من سعی کردم که بیشتر

به مشکلات بیمه‌شدگان پی ببرم. بنابراین متوجه شدم که مشکلاتی هست که باعث می‌شوند همه نوک حمله را به سوی سازمان بگیرند؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مجلس شورای اسلامی و دولت هر کدام به نوعی می‌گویند سازمان ناکارآمد است. در جاهایی که قانون ابهام دارد، می‌گویند شما باید اقدام کنید و اگر کوتاهی کنید مقصریند. روزنامه‌ها هم می‌نویسند که تامین اجتماعی چرا این کار را می‌کند و چرا این کار را نمی‌کند. نهادهای کارگری و کارفرمایی هم مشکلات خودشان را به گردن سازمان می‌اندازند و این ما هستیم که بی‌بایستی به تنهایی بار گناهان همه را به دوش بکشیم و از هیچ شخص و دستگاهی کمک نگیریم. احساس می‌کردم که ما هم مقناری مظلوم واقع شده‌ایم و البته مقناری هم مقصر هستیم که باید رفع تقصیر کنیم. به همین دلیل تلاش همه جانبه‌ای را آغاز کردیم تا ببینیم این شکست‌ها و کاستی‌ها از کجاست. ابتدا شروع کردیم با دولت به خوبی نزدیک شویم و اشکالات کار را از زبان دولت مردان بشنویم. با آقای عارف و جناب آقای خاتمی، رئیس جمهور، رئیس و نمایندگان مجلس و با کمیسیون‌های مربوطه در مجلس، در وزارت کار و وزارت بهداشت و درمان و... حاصل نشست‌ها و گفت‌وگوها این شد که آنها به کمک ما آمدند و آن وقت همه ایرادگیرهای دیروزه، شدند دوستان خوب امروز و تاکنون چندین پدر و مادر پیدا کرده‌ایم و بسیار خوشحالم و افتخار می‌کنم که آقای خاتمی در توزیع بودجه سال ۱۳۸۴ یکی از موضوعات مهمی که در سر فصل‌های بودجه دو بار روی آن تاکید دارند مقوله تامین اجتماعی است و این نشان می‌دهد که در سطوح بالاتر مقامات مملکتی دارد این مقوله به خوبی مورد توجه قرار می‌گیرد و بعدها ما دیگر یتیم نخواهیم بود.

میهمانان بعدی دکتر سلیمانی سر می‌رسند و ما باید رفع زحمت کنیم. با این وجود یک سوال اساسی دیگر باقی مانده که باید مطرح شود. می‌پرسم: انتخابات ریاست جمهوری در پیش است و در این فرصت کم، باید مملکت به سمت و سویی برود که مردم خوشحال بشوند و راه‌های شرکت در انتخابات هموار گردد و خلاصه این که مردم به این راحتی‌ها رای نخواهند داد! آیا سازمان تامین

اجتماعی در این مورد برای خود نقشی قایل است؟

چند بار سر را به پایین تکان می‌دهد و آنچه در ذهنش می‌گذرد به این ترتیب به ما القا می‌کند و با استحکام بسیار می‌گوید:

ما به عنوان سازمان تامین اجتماعی اعتقاد داریم که برای ایجاد آرامش و آسایش و امنیت و حتی تشویق مردم به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، نقش مهمی می‌توانیم داشته باشیم. مثلاً می‌توانیم حقوق‌های بخشی از مستمری‌بگیران را که دریافتی اندک دارند، افزایش دهیم. چنانچه خبر دارید همین چند روز قبل من برای همسان‌سازی حقوق مستمری‌بگیران، مبلغ چهار میلیارد تومان بودجه تامین کردم و همان جا که این افزایش تصویب می‌شد، یادآور شدم که در سال آینده هم این افزایش را خواهیم داشت. قرار شد که در بخش‌های هم رقم قابل توجهی اضافه کنیم. برای مستمری‌بگیران، در سال آینده برنامه‌های جانبی زیارتی و سیاحتی داریم. قرار است بلیت اتوبوس‌ها و سینماها را برای مستمری‌بگیران کاهش دهیم. قرار است با عده‌ای از ناسران صحبت کنیم که کتاب‌هایشان را با تخفیف بیشتری به مستمری‌بگیران بفروشند و همچنین موجبات فراهم کرده‌ایم که این قشر سپیدموی از امکانات رفاهی و ورزشی بیشتری استفاده کنند و پولی هم نپردازند. طبیعی است که این گونه اقدامات، جامعه را به سوی شادابی می‌برد و جامعه‌ای که شاداب باشد، فعال می‌شود و برای انتخاب درست رییس جمهور آینده ترغیب خواهد شد و به گمان من چنین جامعه‌ای همیشه با میل و رغبت سهم عمده‌ای از بار مشکلات مختلف را به دوش خواهد کشید.

خیلی دیر شده بود... فکر کردیم آقای دکتر سلیمانی برای پاسخگویی به سوالات ما خیلی حوصله به خرج داده است. برخاستیم و تشکرکنان رفع زحمت کردیم و به دکتر همیشه خندان، مجال دادیم که جلسه بعدی را تشکیل بدهد...

در راه به مهندس گلیاف گفتم جلسه خوبی بود و مطالب ناشنیده بسیار شنیدیم. ناهار امروز در کنار خانواده بسیار گوارا خواهد بود زیرا با وعده‌هایی که شنیدیم امیدوار شدیم که تامین اجتماعی در کشور ما به سوی افق‌های روشن در حرکت است و

ارزو کردیم دکتر سلیمانی بتواند طرح‌ها و برنامه‌هایش را آن طور که می‌خواهد به پیش ببرد. و دست لطف و محبتش را همیشه بر سر بیمه‌شندگان و مستمری‌بگیران و خانواده‌های آنان بکشد که واقعا مردم به محبت نیاز دارند. چقدر کم لطفی؟ چقدر بی‌اعتنایی؟ چقدر خشونت؟ کاش آن عده قلیل و انگشت شمار از کارکنان کم حوصله و تندخوی سازمان که درصدد پرونده‌سازی واهی برای کارفرمایان و بیمه‌شدگان هستند، قبول کنند که مدیر عامل و سایر مدیران سازمان تا چه اندازه به فکر ایجاد بستر مناسب و منطقی در ارتباط با بیمه‌شدگان و خانواده‌های آنان هستند. آنها هم کمی به خود آیند و مردم را از خود بدانند و

مطمئن باشند که انسان‌های زحمتکش و ستم‌دیده. جواب محبت را، با محبت خواهند داد. دشمنی با خلق ضعیف و محروم خدا چه سودی به دنبال خواهد داشت؟ آیا ایجاد جو بدبینی و خصومت، از وظایف کارکنان سازمان تامین اجتماعی است؟ آیا این گونه افراد، مشکلاتی دارند که نمی‌توانند با مدیران و روسای خود در میان بگذارند و برای رسیدن به اهداف خویش، از اهرم ناراضی‌تراشی استفاده می‌کنند؟

خدایا، خودت رحم کن...

